

دکتر دیوید باوئر، مطالعه استقرایی کتاب مقدس سخنرانی ۸، بررسی کتاب، یهودا

دیوید باوئر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر دیوید باور در تدریس خود در مورد مطالعه استقرایی کتاب مقدس است. این جلسه هشتم، بررسی کتاب، یهودا است.

همانطور که قبلاً اشاره کردم، ما این بخش را به این بخش جدید تقسیم کردیم.

ما می‌خواهیم از نامه یهودا به عنوان نمونه‌ای از بررسی بخش‌ها نیز عمل کنند، اما مسلماً به یک دلیل، طول آن قابل مدیریت تر است. بنابراین، و البته، کاملاً واضح است که از آنجایی که ما در اینجا فقط یک فصل داریم، به جای عنوان فصل‌ها، به پاراگراف‌هایی که داریم عنوان می‌دهیم.

من روی ترجمه‌ای که همین الان به آن اشاره کردم با نسخه استاندارد اصلاح‌شده کار کرده‌ام که به نظرم ترجمه بسیار ارزشمندی برای اهداف مطالعاتی است. شاید یکی از، شاید نزدیک‌ترین ترجمه به یک ترجمه فروش ندارد، اما در ترجمه از نسخه شاه NIV به اندازه مثلاً RSV استاندارد در زبان انگلیسی باشد. اگرچه جیمز، نسخه مجاز ۱۶۱۱، تا نسخه اصلاح‌شده آمریکایی ۱۹۰۱، در یک خط مستقیم قرار می‌گیرد.

و البته، شما نسخه استاندارد اصلاح‌شده‌ای را دارید که در سال ۱۹۴۸ در عهد جدید و در سال ۱۹۵۲ در را دارید، نسخه استاندارد اصلاح‌شده جدیدی که بعداً NRSV عهد عتیق منتشر شد. و بعد از آن، البته، شما است. RSV نسخه استاندارد انگلیسی، اساساً همان، ESV. منتشر شد.

است که تنها با چند تغییر اینجا و RSV آمده است، اساساً همان ESV همانطور که به صراحت در مقدمه‌ی دوست RSV است. اما چیزی که در مورد ESV آنجا، منعکس‌کننده‌ی تعهدات یا باورهای الهیاتی ویراستاران دارم این است که در واقع، اگر بتوانیم آن را چنین بنامیم، موضعی میانجی بین دو حد نهایی نظریه‌ی ترجمه اتخاذ می‌کند. از یک سو، ترجمه واقعاً شامل نوعی پیوستار است. در یک سوی نظریه‌ی ترجمه، چیزی داریم که گاهی اوقات به عنوان معادل صوری یا باید بگویم، نوعی معادل صوری یا کلامی یا چیزی شبیه به آن نامیده می‌شود، که در واقع به نوعی ترجمه‌ی کلمه به کلمه مربوط می‌شود، که در آن مترجمان تلاش می‌کنند دقیقاً کلمه‌ی یونانی یا عبری مناسب برای این کلمه‌ی انگلیسی را برای کلمه‌ی یونانی یا عبری مربوطه یا چیزی شبیه به آن پیدا کنند.

این گاهی اوقات به طور تحقیق‌آمیزی به عنوان ترجمه چوبی یا شاید ترجمه تحت‌اللفظی شناخته می‌شود. بهترین نمونه از این مورد شاید کتاب مقدس استاندارد جدید آمریکایی باشد. شدیدترین نمونه آن کتاب مقدس تقویت‌شده است، که در آن آنها صرفاً به شناسایی یک کلمه که نمایانگر یک کلمه یونانی یا عبری است، راضی نمی‌شوند، بلکه اغلب یک پرانتز کامل دارند که در آن چندین کلمه وجود دارد که در کنار هم قرار گرفته‌اند تا مفهوم دقیق کلمه یونانی یا عبری مورد استفاده را به تصویر بکشند.

در سوی دیگر این پیوستار، چیزی را داریم که گاهی اوقات معادل پویا نامیده می‌شود. و دیدگاه اینجا این است که ترجمه شامل شناسایی بهترین کلمه انگلیسی که با کلمه یونانی یا عبری مطابقت دارد، نیست، بلکه در واقع ترجمه کل واحدهای فکری است. بنابراین، درک معنا یا مفهوم یک جمله کامل یا حتی یک پاراگراف کامل، و سپس ترجمه مفهوم آن جمله یا آن پاراگراف به انگلیسی.

این در هر ترجمه‌ای که از انجمن کتاب مقدس آمریکا یا انجمن‌های متحد کتاب مقدس منتشر می‌شود، نشان داده شده است. و مثال بارز آن، تفسیر به معنای دیگر است. تفسیر به معنای دیگر، نمونه‌ای افراطی از معادل پویا است.

این است که می‌کوشد جایگاهی میانجی بین این دو ترسیم کند. به عبارت دیگر RSV حال، به نظر من، ارزش نه به تعادل کلامی متعهد است و نه به تعادل پویا، بلکه در مورد اینکه آیا در این جهت حرکت کند یا بر اساس، خواسته‌های ترجمه‌ی هر بخش، تصمیمات ترجمه را اتخاذ می‌کند. بنابراین، از نظر کاربرد نظریه‌ی ترجمه، التقاطی‌تر و شاید بتوان گفت استقرایی‌تر است.

در بعضی جاها بیشتر به این سمت گرایش دارد و در جاهای دیگر، تا حدودی بر اساس اینکه چه کسی NIV مسئول ترجمه بخش‌های مختلف کتاب مقدس بوده، به این سمت گرایش دارد. اما حداقل من خودم، آن نمی‌بینم RSV می‌بینم، در NIV نوع تفکر دقیقی را که در مورد حرکت به سمت معادل پویا یا معادل کلامی در را دارید NRSV دشوارتر است، به خصوص از آنجایی که شما نسخه RSV خب، فهمیدن

را امتحان کنید. همانطور که گفتم، در بیشتر ESV برایتان دشوار است، می‌توانید RSV اما اگر پیدا کردن به طور کلی ترجمه خوبی است، اما من از آن استفاده نمی‌کنم زیرا در واقع NRSV است. RSV موارد، اساساً حداقل به همان اندازه که سعی در حل مشکلات در ترجمه داشته، مشکلات دیگری NRSV متوجه شده‌ام که نیز ایجاد کرده است.

بهتر است، اما من موارد بسیار بیشتری پیدا کردم که واقعاً مشکلات RSV بنابراین، جاهایی هست که واقعاً از ترجمه را ایجاد می‌کند، و گاهی اوقات به طور غیرقابل توضیحی، ایجاد می‌کند. بنابراین، به همین دلیل، من این است که، می‌دانید، وقتی RSV استفاده کنم. اما یکی از نکات مربوط به RSV هنوز ترجیح می‌دهم از صحبت از انسان‌ها می‌شود، جنسیت را در نظر نمی‌گیرد.

و بنابراین، هنوز هم درباره انسان یا نوع بشر یا این نوع چیزها صحبت می‌کند. و البته، من نسبت به اینکه چگونه زنان ممکن است با این نوع زبان احساس طرد شدن کنند، حساس هستم. بنابراین، باید بدانید که می‌بینم، کنار RSV ترجمه بی‌نقص است، و من با این موضوع به دلیل ارزش، یا به عبارت دیگر، ارزشی که در می‌آیم.

با تورفتگی مشخص می‌شود. بنابراین، هر جا که تورفتگی دارید، یک RSV اما در هر صورت، پاراگراف‌بندی در پاراگراف جدید دارید و این اساس این پاراگراف‌ها، این عنوان پاراگراف است. حال، از آنجایی که نامه یهودا یک رساله است، مسلماً یک محتوای کلی ایدئولوژیک است.

دغدغه اصلی ارائه ایده‌ها است. البته شما در اینجا به افراد خاصی اشاره کرده‌اید، از جمله مثلاً خونخ. اما کتاب درباره آنها نیست.

این کتاب واقعاً درباره ایده‌هاست و از این افراد، مکان‌ها و رویدادها در خدمت آنچه که در واقع دغدغه اصلی، محتوای کتاب است، یعنی ارائه ایده‌ها، نام برده شده است. حال، از نظر واحدها و زیرواحدهای اصلی دوباره می‌خواهیم عقب بایستیم و اینها را مطرح کنیم. مهم است که این واحدها و زیرواحدها را تا جایی که مطالب اجازه می‌دهد، گسترده کنیم. در بررسی کتاب، می‌خواهید از غرق شدن در جزئیات خودداری کنید زیرا هرچه بیشتر روی جزئیات تمرکز کنید، کمتر می‌توانید روی حرکت گسترده‌تر و فراگیر کتاب تمرکز کنید.

بنابراین، شما نمی‌خواهید روی جزئیات تمرکز کنید، بلکه می‌خواهید عقب بایستید و از حرکت گسترده و فراگیر کتاب، برداشتی داشته باشید. و این واقعاً به این معنی است که واحدها و زیرواحدهای خود را تا جایی که مطالب اجازه می‌دهد، گسترده کنید. به نظر من، ما با یک سلام و درود در آیات اول و دوم شروع می‌کنیم.

یهودا، موعظه‌ای از عیسی مسیح و برادر یعقوب، به فراخوانده‌شدگان، محبوبان در خدای پدر، و محفوظ برای عیسی مسیح، باشد که رحمت، آرامش و عشق بر شما افزون شود. و سپس، البته، بدنه‌ی نامه با آیه‌ی سوم آغاز می‌شود، و به نظر می‌رسد که نتیجه‌گیری رساله‌ای را در آیات ۲۴ و ۲۵ داریم. اکنون، بر او که قادر است شما را از لغزش حفظ کند و شما را بی‌عیب و نقص در حضور جلال خود با شادی حاضر سازد، بر خدای یگانه که به واسطه‌ی عیسی مسیح، پروردگار ما، نجات‌دهنده‌ی ماست، جلال، شکوه، عظمت، تسلط و اقتدار باد، از ازل تا ابد، و اکنون و تا ابد.

آمین. پس، واضح است که این نتیجه‌گیری است. بنابراین، ما مقدمه و نتیجه‌گیری را داریم، و سپس، آیات ۳ تا ۲۳ بدنه‌ی نامه خواهند بود.

حالا، من خودم می‌بینم، وقتی عقب می‌ایستم و حرکت گسترده و فراگیر را درک می‌کنم، خودم شاهد شکاف بزرگی هستم که بین آیات چهار و پنج در حال وقوع است. در آیات سه و چهار، در واقع چیزی را داریم که می‌توانیم آن را نوعی اعلام این نامه بنامیم. عزیزان، چون بسیار مشتاق بودم که از نجات مشترکمان برای شما، بنویسم، لازم دیدم که از شما بخواهم برای ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدسین سپرده شده است مبارزه کنید.

زیرا برخی که مدت‌ها پیش برای این محکومیت تعیین شده بودند، مخفیانه به این راه یافته‌اند؛ افراد بی‌خدایی، که فیض خدای ما را به هرزگی تبدیل می‌کنند و یگانه استاد و خداوند ما عیسی مسیح را انکار می‌کنند. می‌بینید، کاری که این می‌کند این است که به مناسبت و بیان کلی نامه اشاره می‌کند. اینکه نامه به چه مناسبتی است، بلکه پیام نامه نیز در اینجا به صورت کلی ارائه شده است.

بنابراین، در اینجا، بر اساس تجزیه آیات سه و چهار، اینها زیربخش‌های آیات سه و چهار خواهند بود، هدف اولیه که نوشتن درباره نجات مشترک ما بود، و سپس دغدغه فعلی که دعوت به مبارزه برای ایمانی است که یک بار برای همیشه به مقدسین داده شد، و دلیل این دعوت. آیه چهار، توجه کنید که در اینجا آن دلیل صریح را دارید. زیرا برخی که مدت‌ها پیش برای این محکومیت تعیین شده بودند، مخفیانه به این امر اعتراف کرده‌اند، یعنی افراد بی‌خدایی که فیض خدای ما را به هرزگی منحرف می‌کنند و تنها استاد و خداوند ما عیسی مسیح را انکار می‌کنند.

حال، وقتی به آیات ۵ تا ۲۳ می‌رسیم، من به این یک برجسب، یعنی خطاب، داده‌ام. توصیف، به ویژه توصیف دردسرسازان و درخواست اینکه در حضور این دردسرسازان چه باید کرد، با تأکید بر نقش رحمت حال، متوجه خواهید شد که در عبارت کلی در آیات ۳ و ۴، او در آیه ۳، با این جمله شروع می‌کند که از آنها می‌خواهد برای ایمان مبارزه کنند، از آنها می‌خواهد برای ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدسین داده شده است، مبارزه کنند.

سپس او دلیل این فراخوان را که همانا پذیرش بی‌خدایان بود، توضیح می‌دهد. حال، توجه کنید که وقتی به خطاب می‌رسد، ترتیب را برعکس می‌کند. او با توصیف بی‌خدایان شروع می‌کند، با پذیرش بی‌خدایان در آیات ۵ تا ۱۶، و سپس در انتهای متن در آیات ۱۷ تا ۲۳، جزئیات فراخوان آنها برای مبارزه برای ایمانی را می‌بینید که یک بار برای همیشه به مقدسین داده شد.

ما به این موضوع برمی‌گردیم، اما بدیهی است که فکر می‌کنم می‌توانید ببینید که اینجا یک چیدمان از تقاطع وجود دارد. اینکه در عبارت کلی، توسل به مبارزه برای ایمان، و سپس دلیل، پذیرش بی‌خدایی، و سپس از نظر پریم B، خطاب، جایی که او پیش می‌رود و این را توسعه می‌دهد، آن را جزئی می‌کند، او با پذیرش بی‌خدایی پریم A، پریم B، A، پریم، به پایان می‌رساند A، شروع می‌کند و سپس با توسل به مبارزه برای ایمان

حالا، دوباره، زیرمجموعه‌هایی که در خطاب داریم، که در آیات ۵ تا ۲۳ یافت می‌شود، زیرمجموعه‌هایی که البته در آیات ۵ تا ۱۶ یافت می‌شوند، توصیف مشکل‌سازان، این بی‌خدایان، و سپس ۱۷ تا ۲۳، نصایح یا درخواست از خوانندگان در آیات ۱۷ تا ۲۳. خب، این واقعاً همان چیزی است که شما باید از نظر شناسایی واحدها و زیرمجموعه‌ها انجام دهید. من در واقع، چون این خیلی کوتاه است، من در واقع، و من به نوعی به آنچه در حال وقوع بود علاقه‌مند بودم، کمی فراتر رفته و واحدهای زوج را در زیرمجموعه‌های اینجا شناسایی کردم.

در آیاتی، مانند آیات ۵ تا ۱۶، تأیید می‌شود که خدا بی‌خدایان را داوری خواهد کرد، که با مثال‌های گذشته در آیات ۵ تا ۷ اثبات می‌شود. و سپس، در آیات ۸ تا ۱۳، شما واجد شرایط هستید. خداپرستان کسانی هستند که در میان شما آشوب به پا می‌کنند.

آنها بی‌خدا هستند و بنابراین، سزاوار داوری الهی هستند. سپس دوباره به تأکید برمی‌گردد: خداوند بی‌خدایانی را که در اینجا توسط نبوت تثبیت شده‌اند، داوری خواهد کرد، آیات ۱۴ تا ۱۶. بنابراین، این با تأکید آغاز می‌شود و به پایان می‌رسد که خداوند بی‌خدایانی را که توسط نمونه‌های گذشته تثبیت شده‌اند، آیات ۵ تا ۷، و توسط نبوت‌های گذشته تثبیت شده‌اند، آیات ۱۴ تا ۱۶، داوری خواهد کرد.

و در میان اینها، او واقعاً می‌گوید کسانی که به میان شما آمده‌اند، بی‌خدا هستند و سزاوار داوری الهی، مانند بی‌خدایان گذشته هستند و سزاوار داوری مشابه داوری‌ای هستند که در گذشته بر بی‌خدایان اعلام شده بود هم از طریق نمونه‌های گذشته و هم از طریق نبوت‌های گذشته. و سپس، البته، در آیات ۱۷ تا ۲۳، او می‌گوید، شما باید این را در آیه ۱۷ به خاطر داشته باشید، که در واقع دو نوع نصیحت را معرفی می‌کند. نصیحت به یاد آوردن، آیات ۱۷ تا ۱۹، که سپس به نصیحت دوم، نصیحت به عمل کردن، عمل کردن به خاطر خودشان از یک سو، آیات ۲۰ و ۲۱، و به خاطر دیگران، آیات ۲۲ و ۲۳، منجر می‌شود.

حال، دوباره، با توجه به آیات ۵ تا ۱۶، آنچه شما در آیات ۵ تا ۱۶ بر آن تأکید کرده‌اید، قطعیت داوری بر بی‌خدایان است. در هر دو آیه ۵ تا ۷ و آیات ۱۴ تا ۱۶، او به وحی پیش از مسیحیت استناد می‌کند تا از قطعیت داوری دفاع کند. پس دو نگرانی وجود دارد، خدا بی‌خدایان را داوری خواهد کرد و بی‌خدایانی که سزاوار داوری الهی هستند، به کلیسا راه یافته‌اند.

این نکته‌ای است که او به عنوان نکته دوم مطرح می‌کند، به خصوص در آیات ۸ تا ۱۳. حال، آنچه در آیات ۱۷ تا ۲۳ می‌بینید، حرکتی به سوی وحی رسولان است، در حالی که تمرکز در آیات ۵ تا ۱۶ بر وحی پیش از ۱۷ مسیحیت با استفاده از داستان‌هایی از عهد عتیق است، و در واقع، خب، به ویژه از عهد عتیق و نبوت عهد عتیق در درجه اول، قطعاً وحی پیش از مسیحیت. کاری که او در آیات ۱۷ تا ۲۳ انجام می‌دهد، توسل به وحی رسولان در آنجا است.

بنابراین، او در آیه ۱۷ می‌گوید، اما شما عزیزان، باید پیشگویی‌های رسولان خداوند ما عیسی مسیح را به خاطر داشته باشید. آنها به شما گفتند که در زمان آخر، مسخره‌کنندگانی خواهند بود که از هوس‌های بی‌خدای خود، پیروی می‌کنند. و سپس او ادامه می‌دهد و می‌گوید، اینها هستند که تفرقه می‌اندازند، مردم دنیوی عاری از روح اما شما عزیزان، خود را بر ایمان بسیار مقدس خود بنا کنید، در روح القدس دعا کنید، خود را در عشق خدا نگه دارید، منتظر رحمت خداوند ما عیسی مسیح برای حیات ابدی باشید، همانطور که می‌گویند، این

توصیه‌هایی است برای عمل برای خود، و سپس عمل برای دیگران، و آیات ۲۲ و ۲۳، و برخی را که شک دارند متقاعد کنید، برخی را با بیرون کشیدن آنها از آتش نجات دهید، بر برخی با ترس رحم کنید، حتی از لباسی که توسط جسم لکه‌دار شده است متنفر باشید.

بنابراین، در اینجا واحدهای اصلی و زیرواحدها بر اساس مقیاس روی نمودار رسم شده‌اند. بنابراین، دوباره در اینجا این حس را دارید که او به توصیف دردسرسازان، نسبت به نصیحت‌هایش به خوانندگان، فضای بیشتر و حجم انتقادی بیشتری می‌دهد. اگرچه، همانطور که خواهیم دید، ممکن است از نظر روابط ساختاری باشد که کتاب در اینجا به اوج خود در نصیحت به خوانندگان می‌رسد.

بنابراین، اگرچه او فضای بیشتری به توصیف بی‌دینان و قضاوت بی‌دینانی که وارد شده‌اند می‌دهد، اما همه اینها در واقع به سمت نقطه اوجی از نصیحت برای خوانندگان در اینجا حرکت می‌کند. ضمناً، این به ما یادآوری می‌کند که لزوماً نویسنده چیزی را که بیشترین وقت را با آن می‌گذراند، مهم‌ترین چیز نمی‌داند. ممکن است دلایل دیگری وجود داشته باشد که چرا او فضای بیشتری، توجه انتقادی‌تر، یعنی توجه از نظر جرم بحرانی، به یک موضوع نسبت به موضوع دیگر می‌دهد.

ما نمی‌توانیم لزوماً از این نتیجه در هر مورد بگیریم که این به معنای آن است که آن چیز برای او مهم‌ترین یا مهم‌ترین چیز است. ممکن است دلایل دیگری برای آن وجود داشته باشد. حال، از نظر روابط ساختاری روابط ساختاری اصلی، البته، آیات اول و دوم که یک سلام هستند، یک آمادگی یا درک را فراهم می‌کنند.

این پیشینه‌ای است که بر اساس آن باید بقیه کتاب یهودا را بفهمیم. و این شامل پیشینه‌ای از سه عنصر است. اول، پیشینه از نظر نویسنده

هویت او یهودا است و خود را بر اساس روابط توصیف می‌کند. او می‌گوید که خادم عیسی مسیح و برادر یعقوب است. سپس بر اساس دریافت‌کنندگان، آنها به سه شکل توصیف می‌شوند.

او می‌گوید که آنها فراخوانده شده‌اند. برای کسانی که فراخوانده شده‌اند، آنها به عنوان محبوب، محبوب در خدای پدر، و به عنوان کسانی که برای عیسی مسیح محفوظ هستند، توصیف می‌شوند. و سپس، از نظر درود مناسب، باشد که رحمت، آرامش و عشق بر شما افزون شود.

باز هم، می‌خواهیم در این مورد سؤالاتی را مطرح کنیم که چگونه هر جزء اصلی این متن، آنچه او به طور خاص در مورد نویسنده، گیرندگان و نجات می‌گوید، آیات ۳ تا ۲۴ و بقیه کتاب را آماده و روشن می‌کند. چرا یهودا این کتاب را دقیقاً به این شکل معرفی کرده است؟ و پیامدهای الهیاتی پاسخ به این سؤال قطعی و منطقی چیست؟ همانطور که اشاره کردیم، می‌دانیم که من قبلاً در اینجا پیشنهاد داده‌ام که آیات ۳ و ۴ ممکن است حاوی یک جمله کلی باشند، یعنی هسته اصلی کتاب واقعاً پیام جمله کلی کتاب را که او در ادامه کتاب به تفصیل بیان می‌کند، در بر می‌گیرد. اکنون، شما واقعاً در خود جمله کلی، یک دلیل و مدرک دارید. او می‌گوید من به شما می‌نویسم تا شما را به ایمانی فرا بخوانم، برای آن مبارزه کنم، ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدسین داده شد، زیرا برخی که مدت‌ها پیش برای این محکومیت تعیین شده بودند، مخفیانه به آن راه یافتند. مرا ببخشید، ای افراد بی‌خدا که فیض خدای ما را به هرزگی تبدیل می‌کنید و یگانه استاد و خداوند ما عیسی مسیح را انکار می‌کنید.

بنابراین، شما در واقع در این عبارت کلی، یک دلیل و برهان دارید. دلیل اینکه می‌گوییم باید برای ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدسین داده شد، مبارزه کنید، این است که افراد بی‌خدایی که برای این محکومیت تعیین شده بودند، مخفیانه به آن ایمان دست یافته‌اند. و دقیقاً همان عبارت کلی و جزئیات آن عبارت کلی که در

آیات پنجم تا شانزدهم و آن پیوند کیاستیک، جزئی‌سازی، بسط و بسط داده شده و تشریح شده است، آشکار می‌شود.

بنابراین، او با توصیف این افراد بی‌خدا شروع می‌کند. او با مشخص کردن افراد بی‌خدا، بی‌خدایی آنها و محکومیتشان شروع می‌کند. ضمناً، در عبارت کلی، توجه کنید که او می‌گوید، چه کسانی تعیین شده‌اند، چه کسانی مدت‌ها پیش برای این محکومیت تعیین شده‌اند.

بنابراین، بار دیگر، این نیز کلی است. او می‌گوید که آنها مدت‌ها پیش تعیین شده بودند، و البته، این موضوع را زمانی که در مورد مدل‌ها یا نمونه‌هایی که مدت‌ها پیش در متون مقدس عبری ارائه شده بودند و پیشگویی‌هایی که قبلاً در مورد داوری بر بی‌دینان ارائه شده بود، صحبت می‌کند، به طور خاص بیان می‌کند. بنابراین، کاملاً واضح است که او این توصیف کلی از افراد بی‌دین و محکومیت آنها را که مدت‌ها پیش در اینجا در آیات ۵ تا تعیین شده بود، به طور خاص، موشکافی و مشخص می‌کند، و سپس در آیات ۱۷ تا ۲۱، به طور خاص ۱۶ منظور خود را از مبارزه برای ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدسین داده شده بود، مشخص می‌کند.

اگر قرار است در مورد این متن، که البته شاید یکی از آشناترین آیات کتاب یهودا باشد، موعظه یا تدریس کنید، یعنی دفاع از ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدسین داده شد، تفسیر آن با توجه به جزئیات، یعنی نحوه‌ای که او در آیات هفدهم تا بیست و یکم در مورد این موضوع دفاع از ایمان که یک بار برای همیشه به مقدسین داده شد، توضیح می‌دهد، بسیار مهم است. این امر محتوای خاصی را ارائه می‌دهد، اینکه مبارزه برای ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدسین داده شد، شامل چه چیزهایی می‌شود. و سپس، البته، ما پیش می‌رویم و در مورد این موضوع سؤالاتی را مطرح می‌کنیم.

معنای عناصر اصلی در آیات سه و چهار چیست و هر یک از آنها چگونه در ادامه کتاب بیان یا توسعه داده شده‌اند؟ به طور خاص‌تر، چگونه اشاره به درخواست برای مبارزه برای ایمان و غیره، نصایح را برای خوانندگان در آیات هفده تا بیست و سه روشن می‌کند؟ منظورم این است که، به هر حال، آنچه او در آیات هفده تا بیست و سه خواهد گفت، واقعاً شامل همان چیزی است که او در اینجا به عنوان مبارزه برای ایمان، گفت. چگونه درک این که این شامل مبارزه برای ایمانی است که یک بار برای همیشه به مقدسین داده شد معنای آیات هفده تا بیست و سه را روشن می‌کند؟ و چگونه دلیل ارائه شده برای این درخواست در آیه چهار، مثلاً به دلیل معرفی این افراد بی‌خدا، بقیه کتاب، به ویژه توصیف مشکل‌سازان در آیات پنج تا شانزده را روشن می‌کند؟ معنای تفاوت‌های بین ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدسین داده شد، از یک سو، و بی‌خدایی کسانی که برای این محکومیت تعیین شده‌اند چیست؟ دقیقاً چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟ معنای این تفاوت‌ها چیست؟ اهمیت تفاوت‌های بین ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدسین داده شد و بی‌دینی اینجا چیست؟ ضمناً، اجازه دهید فقط اشاره کنم که ما در حال حاضر به این سؤالات پاسخ نمی‌دهیم، اما یک نکته وجود دارد که وقتی به تفسیر رسیدید و شروع به پاسخ به این سؤال کردید، متوجه خواهید شد که کل این ماجرای ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدسین داده شد، ممکن است آنقدر که به ارتدوکسی مربوط می‌شود، به ارتوپراکسی مربوط نباشد. زیرا کاری که او انجام می‌دهد این است که ایمانی را که یک بار برای همیشه به مقدسین داده شد، نه با آموزه‌های نادرست، بلکه با زندگی نادرست، با سبک زندگی بی‌خدایی مقایسه می‌کند.

باز هم، این تفاوت‌ها چگونه در ادامه کتاب توسعه می‌یابند؟ در اینجا، ما به جزئیات می‌پردازیم. و چگونه آنها پیام کتاب را به طور کلی شکل می‌دهند؟ تقاطع چگونه روابط بین مسئولیت خوانندگان و شخصیت دردرسازان را پشتیبانی و روشن می‌کند؟ حال، من در مورد تقاطع به این موضوع اشاره نکردم، اما بگذارید اول هستند A و A بگویم که یکی از کارکردهای تقاطع این است که معمولاً نشان می‌دهد مهم‌ترین چیز دارید، یکی از اهداف تقاطع این است A، B، دارید، همانطور که در اینجا A، B، بنابراین، وقتی تقاطعی مانند اول معمولاً نسبتاً فرعی هستند B و B اول واقعاً مهم‌ترین چیز هستند و A و A که نشان دهد

اگر اینطور باشد، پس این بحث مبارزه برای ایمان و نصایح و در واقع جزئیات این مبارزه برای ایمان، نصایحی که در انتهای کتاب داریم، واقعاً دغدغه اصلی است. البته، این دقیقاً همان چیزی است که انتظار دارید. او این کتاب را برای بی‌خدایان نمی‌نویسد.

او آنها را خطاب به پارسایان می‌نویسد. بنابراین، او در واقع خوانندگان را تشویق می‌کند تا برای ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدسین داده شده بود، مبارزه کنند. و این مهمترین چیز است، که با این واقعیت که در فصل مشترک با این شروع می‌کند و با آن پایان می‌دهد، نشان داده می‌شود.

سپس، سوالات منطقی، چرا نویسنده کتاب را با این توصیف از جذابیت و دلیل جذابیت آغاز کرده است؟ چرا او به این شکل در مورد آن بحث کرده است؟ چرا از این اصطلاحات استفاده کرده است؟ و چرا او این دو عنصر، هم جذابیت و هم دلیل جذابیت، یعنی بی‌خدایان و داوری آنها را، همانطور که در بقیه کتاب انجام داده است، توسعه داده است؟ چرا او تصمیم گرفت به تفاوت بین ایمانی که به مقدسین داده شده و بی‌خدایی کسانی که برای محکومیت تعیین شده‌اند، پردازد؟ چرا او بدین ترتیب رابطه بین مسئولیت‌های خوانندگان و شخصیت مشکل‌سازان را با این تقاطع پشتیبانی و روشن کرد؟ و سپس، پیامدهای، پیامدهای کامل الهیاتی پاسخ به همه این سوالات چیست؟ حال، فراتر از آن، در اینجا خاطرنشان می‌کنیم که ممکن است نوعی علیت با تضاد در بدنه کتاب داشته باشیم. و در اینجا من به ویژه به آیات ۵ تا ۲۳ اشاره می‌کنم.

متوجه می‌شوید که اینجا حرکت از وجه اخباری به وجه امری است. از «آنچه هست» به «آنچه باید انجام دهید» تغییر می‌کند. به عبارت دیگر، «زیرا» از ددرسازان

به خاطر شخصیتشان، کاملاً شیطانی هستند، و اتفاقاً، از آن نوع شیطانی که می‌خواهد شما را به سمت خودش، به مدار خودش بکشاند. مسئله این نیست که آنها کارهای شیطانی خودشان را آنجا انجام می‌دهند. نه، آنها این کار را در میان شما انجام می‌دهند.

و این شر، آلوده‌کننده است. این بخشی از شخصیت شر، شرارت آنهاست، همانطور که او در آیات ۵ تا ۱۶ توصیف می‌کند. به دلیل اینکه این شخصیت کاملاً و آلوده‌کننده است، به طور آلوده‌کننده، این یک کلمه است، شر.

و به دلیل پیامدی که بر آن نوع شر وارد می‌شود، به دلیل ماهیت شر آنها و پیامد آن شر، پیامد قضاوتی آن شر، بنابراین، شما باید اینگونه به آن پاسخ دهید. با استفاده از جملات امری، اخباری، امری، خطابی، علیت در نتیجه، به خوانندگان توصیه می‌شود که پرهیزکار باشند و به دیگران کمک کنند تا پرهیزکار باشند، کاملاً متفاوت از آنها باشند.

به همین دلیل، کاملاً متفاوت از آنها باش و شو. از این رو، شما هم علیت دارید و هم تضاد. و دوباره، ما در این مورد سؤالاتی را مطرح می‌کنیم.

چگونه، با شروع از سوال قطعی، منظور از نوع سوال چیست، این ددرسازان چگونه توصیف می‌شوند؟ دقیقاً چگونه در اینجا توصیف می‌شوند؟ و معنای دقیق این توصیف چیست؟ عناصر اصلی دخیل در این حرکت، از شرارت آنها تا داوری خدا که می‌توانند انتظار داشته باشند، چیست؟ و معنای هر یک از این عناصر اصلی چیست؟ چگونه توصیف این ددرسازان منجر به، علت یا تولید این نصیحت‌ها می‌شود؟ تفاوت‌های عمده بین توصیف این ددرسازان از یک سو و نوع زندگی‌ای که نویسنده خوانندگان خود را به دنبال کردن آن از سوی دیگر ترغیب می‌کند، چیست؟ و معنای دقیق و خاص این تفاوت‌ها چیست؟ متوجه می‌شوید که ما در اینجا هم به علیت و هم به تضاد می‌پردازیم. و سپس سوال منطقی، چرا، طبق این رساله، این

دردسازان کاملاً شرور بودند؟ ضمناً، این به یک نوع سوال منطقی اشاره دارد. اساساً دو نوع سوال منطقی وجود دارد.

یک نوع سوال منطقی به دلیل یا هدف نویسنده از نوشتن چیزی می‌پردازد. چرا یهودا می‌خواست این را بیان کند؟ چرا او این را نوشت؟ چرا او بر این تأکید کرد؟ اما می‌توانید یک سوال منطقی نیز داشته باشید که به منطق آنچه نوشته شده است، معطوف باشد. او این افراد را شرور توصیف می‌کند.

و بنابراین، این سوال مطرح می‌شود که چرا، طبق این رساله، این آشوبگران کاملاً شرور بودند؟ چرا طبق منطق نامه، آنها اینگونه بودند؟ چرا، طبق این رساله، خدا تصمیم گرفت این نوع داوری را بر آنها نازل کند؟ او این رابطه علیت را بین گناه، بی‌خدایی آنها و داوری خدا قائل بود. چرا خدا تصمیم گرفت این نوع داوری را بر آنها نازل کند؟ چرا نویسنده، اکنون در اینجا، وارد سوالات عقلانی شده که با هدف نویسنده مرتبط است چرا نویسنده این آشوبگران را اینگونه توصیف کرده است، و چرا می‌خواست این ارتباط علی بین گناه و داوری را به این شکل ارائه و تأکید کند؟ چرا نویسنده با این توصیف متضاد از آشوبگران، از توصیه‌های خود به خوانندگان پشتیبانی کرده است؟ و سپس، پیامدهای الهیاتی کامل پاسخ به این سوالات قطعی و عقلانی چیست؟ حالا، دوباره، ما لزوماً در این مرحله به این سؤالات پاسخ نمی‌دهیم، اگرچه جودیت به اندازه کافی کوتاه است که بتوانید مستقیماً به مرحله تفسیر بروید، اما در این مرحله، ما صرفاً مشاهداتی را مطرح می‌کنیم و سؤالاتی را مطرح می‌کنیم که بعداً به عنوان پلی برای تفسیر عمل خواهند کرد. حال، اشاره کردیم که در اینجا یک نتیجه‌گیری داریم، یک نتیجه‌گیری رساله‌ای در آیه ۲۴ که در واقع به عنوان یک ستایش ارائه شده است.

فقط آنچه را که اینجا داریم به ما یادآوری کنید...»: اکنون بر او که قادر است شما را از لغزش حفظ کند و شما را بی‌عیب و با شادی در حضور جلال خود حاضر سازد، بر خدای یگانه که نجات‌دهنده ماست، به واسطه عیسی مسیح، پروردگار ما، جلال، شکوه، سلطنت و اقتدار باد، از ازل تا ابد، و اکنون و تا ابدالابد آمین.» آنچه در آیات ۵ تا ۲۳ متوجه شدیم، شرح خطرات یا تهدیدهای زندگی مسیحی و توصیه‌هایی برای زندگی درستکارانه است که در واقع می‌تواند توسط آیات ۲۴ تا ۲۵ اثبات شود. آیات ۲۴ و ۲۵ ممکن است دلیل آنچه او در آیات ۵ تا ۲۳ می‌گوید، باشند.

در آیات ۲۴ و ۲۵، ما اطمینان از قدرت الهی برای حفظ ایمانداران را داریم...»: اکنون به او که قادر است شما را از لغزش حفظ کند و شما را بی‌عیب در حضور جلال خود با شادی حاضر سازد، اطمینان از قدرت الهی برای حفظ ایمانداران عادل در طول زندگی، حتی تا تخت داوری خدا، و ستایش ستایش‌آمیز خدا به خاطر قدرت نجات‌بخش باشکوه خدا.» به عبارت دیگر، آنچه در اینجا دارید قدرت نجات‌بخش و حفظ‌کننده خدا در مسیح است که در واقع وسیله‌ای برای امکان تحقق نصایح مربوط به زندگی درستکارانه است. او آنها را ترغیب کرده است که برای ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدسین سپرده شده است مبارزه کنند. او آنها را ترغیب کرده است که پیشگویی‌های رسولان را به خاطر بسپارند.

او آنها را ترغیب کرده است که خود را در ایمان بسیار مقدسشان بنا کنند، در روح القدس دعا کنند، خود را در عشق خدا ننگه دارند، منتظر رحمت پروردگار ما عیسی مسیح برای حیات ابدی باشند، برخی را که شک دارند متقاعد کنند، برخی را با بیرون کشیدن از آتش نجات دهند، به برخی با ترس رحم کنند، حتی از لباسی که توسط جسم لکه دار شده است متنفر باشند. در اینجا، آیات ۲۴ و ۲۵ نشان می‌دهد که آنها به دلیل قدرت نجات‌بخش و حفظ‌کننده خدا در مسیح قادر به انجام این کار هستند. آنها به همین دلیل قادر به انجام این کار هستند و این یک اثبات است.

آنها می‌توانند این کار را از طریق این [روش/روش] انجام دهند. به عبارت دیگر، این یک قدرت نجات‌بخش و نگهدارنده خداوند در مسیح است که وسیله‌ای برای رسیدن به هدفشان است، یعنی انجام نصایح مربوط به زندگی درستکارانه، چه در آیه ۳ و چه در آیات ۲۴ و ۲۵. حال، این از نظر الهیاتی بسیار مهم است زیرا در واقع

نشان می‌دهد که آنها بر اساس قدرت انسانی خود، در واقع به هیچ وجه قادر به انجام این کار نیستند و به هیچ وجه قادر به پاسخگویی مناسب و مفید به این افراد بی‌خدایی که راه خود را به میان آنها پیدا کرده‌اند، نیستند تا نصیحتی را که یهودا به آنها می‌دهد، انجام دهند.

آنها نمی‌توانند این کار را انجام دهند. اما خدا و مسیح او بیش از هر چیز قادرند این خوانندگان را برای تحقق نصیحت و غلبه کامل بر خطراتی که توسط این افراد بی‌خدا در میانشان ایجاد می‌شود، مجهز کنند. اکنون دوباره، می‌خواهیم در مورد این سؤالات قطعی سؤالاتی مطرح کنیم.

چگونه آیات ۲۴ تا ۲۵ به طور خاص و دقیق، هم برای توصیف خطرات زندگی مسیحی، از جمله داوری بر بی‌دینان در کلیسا، و هم برای توصیه به زندگی درستکارانه، پشتیبانی یا دلایلی ارائه می‌دهند؟ ضمناً، آیات ۲۴ و نیز داوری بر بی‌دینان را در این نامه اثبات می‌کنند، زیرا او در اینجا می‌گوید که بی‌دینان لزوماً بی‌دین نیستند ۲۵ به عبارت دیگر، بی‌دینی آنها در واقع توهین به فیض، توهین به رد و انکار قدرت الهی است که برای آنها نیز در دسترس است تا زندگی‌های متفاوتی داشته باشند، زندگی‌هایی فراتر از بی‌دینی. به طوری که قدرت الهی، منابع الهی، در واقع مبنایی برای داوری بر گناه است.

بنابراین، دوباره، چگونه آیات ۲۴ و ۲۵، و به ویژه تأیید ستایش قدرت باشکوه خدا در نجات، کتاب را به اوج خود می‌رساند و کل کتاب را روشن می‌کند؟ چرا سؤالات منطقی، چرا نویسنده بدین ترتیب توصیفات و نصیحت خود را در آیات ۵ تا ۲۳ با این اطمینان از قدرت الهی برای حفظ مؤمنان و این ستایش از خدا به دلیل قدرت نجات‌بخش و نگهدارنده باشکوهش پشتیبانی یا پایه‌گذاری کرده است، اگرچه اینطور است، اگرچه درست است که او مجبور نبود آن را بگوید؟ چرا واقعاً برای او مهم بود که آن را بگوید و به این شکل بگوید؟ چرا او بدین ترتیب بر این قدرت الهی به عنوان وسیله‌ای برای تحقق نصیحت کتاب تأکید کرد؟ و باز هم، پیامدهای این چیست؟ حال، ما در اینجا، البته، در کتاب، تکرار تضاد را نیز داریم. و توجه داشته باشید که در اکثر کتاب‌ها از سه تا شش یا هفت رابطه ساختاری اصلی وجود دارد و این چیزی است که ما در اینجا می‌یابیم. اما متوجه خواهید شد که دوباره شاهد تضاد زندگی‌نامه‌ای بین خوانندگان و آشوبگران هستید.

خوانندگان مقدس توصیف شده‌اند، آیات ۳ و ۲۰، در حالی که در اینجا مشکل‌سازان به عنوان بی‌خدا، توصیف شده‌اند، آیات ۴، ۱۵ و ۱۸. خوانندگان رحمت را تجربه می‌کنند یا منتظر آن هستند، آیات ۲، ۲۱ در حالی که مشکل‌سازان داوری را تجربه می‌کنند یا منتظر آن هستند، آیات ۴ تا ۱۶. خوانندگان بی‌عیب و ۲۳، نقص توصیف شده‌اند، آیه ۲۴، در حالی که مشکل‌سازان به عنوان آلوده و لکه‌دار توصیف شده‌اند، آیات ۸ و ۱۲ ۲۳.

خوانندگان به عنوان کسانی توصیف شده‌اند یا از آنها انتظار می‌رود که با روح دعا کنند، آیه ۲۰. آشوبگران به عنوان کسانی توصیف شده‌اند که فاقد روح هستند، آیه ۱۹. خوانندگان در برابر خدا می‌ایستند، آیه در برابر خدا خواهد ایستاد، آیه ۲۴.

مشکل‌سازان می‌لغزند یا می‌افتند، آیه ۶. خوانندگان نجات می‌یابند، این زبان اوست، آیات ۳ و ۲۵. مشکل‌سازان نابود می‌شوند، همچنین زبان او، آیات ۵، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۳ و ۱۵. و در اینجا با توجه به این تضاد، تضاد مکرر بین خوانندگان و مشکل‌سازان، به نقش مقدمه و نتیجه‌گیری اشاره می‌کنم.

توجه داشته باشید که مقدمه برای خوانندگان بسیار مثبت است. به فراخوانده‌شدگان، محبوبان در خدای پدر و محفوظ برای عیسی مسیح، رحمت، آرامش و عشق بر شما افزون باد. و نتیجه‌گیری نیز برای خوانندگان بسیار مثبت است.

به او که قادر است شما را از لغزش حفظ کند و شما را بی‌عیب و نقص در حضور جلال خود با شادی و غیره حاضر سازد. در حالی که در آیات ۲۳ تا ۲۳، توصیفی منفی از مخالفان دارید. من همچنین می‌خواهم به نقش کلمه «نگه داشته شد» اشاره کنم.

اینجا، توجه کنید که چگونه تکرار کلمه kept همین کلمه در یونانی در سراسر ترل استفاده شده است. کلمه را دارید، یک، دو، سه، چهار، پنج، شش بار، دو بار در یک آیه، آیه شش، استفاده شده است. اما در kept سراسر کتاب، نقش آن حفظ شده است.

توجه کنید که گفته شده است که خوانندگان توسط خدا برای نجات و حفظ خودشان نگه داشته شده‌اند، در حالی که آشوبگران توسط خدا برای محکومیت نگه داشته شده‌اند و خودشان را حفظ نکرده‌اند. بنابراین، واقعاً به گونه‌ای استفاده شده است که بر این تفاوت تأکید کند kept کلمه.

خوانندگان برای یک چیز نگه داشته می‌شوند یا خودشان را برای یک چیز نگه می‌دارند. بی‌خدایان برای چیز دیگری نگه داشته می‌شوند و خودشان را نگه نمی‌دارند. بنابراین، کلمه نگه داشتن اینجا خیلی مهم است.

و دوباره، ما سوالاتی را مطرح می‌کنیم، سوالات قطعی، منطقی و ضمنی در مورد این موضوع. معنای خاص هر یک از این تفاوت‌های عمده و سایر تفاوت‌هایی که ممکن است بین خوانندگان و دردمسازان شناسایی شود چیست؟ یا شاید باید بگوییم بی‌خدا، زیرا این کلمه‌ای است که او برای توصیف آنها استفاده می‌کند. این تفاوت‌های عمده چگونه به یکدیگر مرتبط هستند؟ و چگونه یکدیگر را روشن می‌کنند؟ نقش مقدمه و نتیجه‌گیری مقدمه در رابطه با بدنه و موضوع اصلی چگونه به تفاوت‌های بین خوانندگان و دردمسازان کمک می‌کند و آنها را روشن می‌کند؟ بنابراین، همه اینها سوالات قطعی هستند.

و سوال منطقی این است که چرا طبق منطق کتاب یهودا، این تفاوت‌ها بین خوانندگان و آشوبگران وجود داشت؟ چرا شما این تفاوت‌ها را مانند او توصیف و بسط دادید؟ و پیامدهای الهیاتی کامل پاسخ به سوالات قطعی و منطقی چیست؟ و با این حال، ما همچنین شاهد تکرار مقایسه هستیم. توصیف گذشته شر، شر یا آشوبگران بارها با پدیده‌های فعلی آشوبگران مقایسه می‌شود. و این با استفاده مکرر از «اینها» یا «اینها» هستند «نشان داده می‌شود».

بنابراین، توجه کنید که توضیحات قبلی را در آیات پنج تا هفت دارید. اکنون، می‌خواهم به شما یادآوری کنم اگرچه شما یک بار برای همیشه کاملاً آگاه بودید، که او که مردم را از سرزمین مصر نجات داد، بعداً کسانی را که ایمان نیاوردند، نابود کرد. و فرشتگانی که جایگاه خود را حفظ نکردند بلکه مسکن مناسب خود را ترک کردند، توسط او در زنجیرهای ابدی در تاریکی زیرین تا زمان داوری روز بزرگ نگه داشته شده‌اند.

همانطور که سدوم و عموره و شهرهای اطراف آن، که به همین ترتیب مرتکب اعمال غیراخلاقی شدند و در شهوات غیرطبیعی غرق شدند، با تحمل مجازات آتش ابدی به عنوان نمونه عمل می‌کنند، اما به همین ترتیب، این مردان، این مردم فعلی در میان شما هستند، به همین ترتیب این مردان در رویاهای خود جسم را نجس می‌کنند، اقتدار را رد می‌کنند و بزرگان را ناسزا می‌گویند. بنابراین، او از توصیف گذشته به پدیده‌های حال حاضر از طریق مقایسه به همین ترتیب حرکت می‌کند. توجه کنید که او همین کار را در آیات نه و ده انجام می‌دهد.

با توصیف گذشته شروع می‌شود. اما هنگامی که فرشته مقرب، میکائیل، در حال مجادله با شیطان، درباره جسد موسی بحث می‌کرد، جرأت نکرد که حکم توهین‌آمیزی علیه او صادر کند، بلکه گفت: «خداوند تو را توبیخ کند.» حال، پدیده‌های کنونی را بررسی می‌کنیم.

اما این مردان، یا اینان کسانی هستند که هر آنچه را که نمی‌فهمند، ناسزا می‌گویند، و به وسیله‌ی چیزهایی که مانند حیوانات بی‌عقل، به طور غریزی می‌دانند، نابود می‌شوند. باز هم، آیه‌ی ۱۱. وای بر ایشان، زیرا در راه قائن گام برمی‌دارند، و به خاطر قائن خود را به گمراهی بلعام می‌سپارند، و در طغیان قورح هلاک می‌شوند.

این توصیف گذشته است. حالا، مقایسه با پدیده‌های کنونی. اینها، اینها کسانی هستند که در ضیافت عشق شما لکه‌دار هستند، همانطور که جسورانه با هم می‌گساری می‌کنند، مراقب خود هستند، ابرهای بی‌آب که بادها آنها را می‌برند، درختان بی‌ثمر در اواخر پاییز، دو بار مرده، از ریشه کنده شده.

و او همین کار را در آیه ۱۴ انجام می‌دهد. همچنین درباره همین‌ها بود که خنوخ، نسل هفتم پس از آدم، نبوت کرد و گفت: «اینک، خداوند با هزاران هزار مقدس خود آمد تا بر همه داوری کند و همه بی‌دینان را به خاطر تمام اعمال بی‌دینی‌شان که به شیوه‌ای بی‌دینانه مرتکب شده‌اند، و به خاطر تمام سخنان تندی که گناهکاران بی‌دین علیه او گفته‌اند، محکوم کند.» ببینید، این گذشته است.

حال، ما این پدیده را از طریق مقایسه ارائه می‌دهیم. اینها افرادی غرغرو، ناراضی، پیرو شهوات خود، طرفدار پرحرفی و چاپلوس برای کسب امتیاز هستند. و او سرانجام این کار را در آیات ۱۷ و ۱۸ انجام می‌دهد.

اما ای عزیزان، باید پیشگویی‌های رسولان خداوند ما عیسی مسیح را به یاد داشته باشید. آنها به شما گفتند که در زمان آخر، مسخره‌کنندگانی خواهند آمد که از هوس‌های بی‌دینی خود پیروی خواهند کرد. حال، آیه ۱۹. این توصیف گذشته است.

حالا، پدیده‌های کنونی. اینها هستند که تفرقه ایجاد می‌کنند، افراد دنیوی عاری از روح و غیره. بنابراین توصیف گذشته مسافران شیطانی بارها و بارها با پدیده‌های کنونی این افراد بی‌خدا در میان آنها مقایسه می‌شود.

و دوباره، ما در این مورد سوالاتی را مطرح می‌کنیم. نقاط مشترک خاص بین توصیفات گذشته و پدیده‌های فعلی چیست؟ و معنای هر یک از این نقاط مشترک چیست؟ چگونه این نقاط مشترک، شخصیت این افراد بی‌خدا، یعنی کسانی که در حال حاضر در میان شما هستند را روشن می‌کند؟ این نقاط مشترک چگونه با یکدیگر مرتبط هستند و چگونه یکدیگر را روشن می‌کنند؟ سوالات منطقی. چرا این افراد بی‌خدا از این جهات تا این حد با توصیفات گذشته مشابه بودند؟ چرا شما این شباهت‌ها را ارائه و تأکید کردید و پیامدهای آن چیست؟ و سپس، البته، ما حوزه‌های کلیدی در مقابل یا استراتژیک را شناسایی می‌کنیم که نشان دهنده روابط اصلی هستند که ما شناسایی کرده‌ایم.

البته آیات سه و چهار، همانطور که دیدیم، نمایانگر جزئی‌سازی با اثبات و تقابل هستند. و آیات پنج، ۱۷ تا ۲۳ نمایانگر علیت و تقابل با تکرار اثبات و نمایانگر تکرار تقابل و تکرار مقایسه هستند. آیات ۲۴ و ۲۵ و ۲۰. نمایانگر اثبات با ابزارسازی و آیات یک و دو نمایانگر تحقق آمادگی هستند.

بنابراین از رساله، متوجه می‌شویم که اینها مهمترین و کلیدی‌ترین آیات هستند. و سپس داده‌های انتقادی بالاتر، فقط بر اساس خود کتاب. نویسنده خود را یهودا، برادر یعقوب، معرفی می‌کند.

ظاهراً او با عهد عتیق و نوشته‌های آپوکریفا و شبه‌کتابی کاملاً آشنا بود. بنابراین، ممکن است یهودی بوده و به ویژه با آخرازمان‌گرایی یهودی آشنا بوده باشد. دریافت‌کنندگان این نامه‌ها، مؤمنانی بودند که عمدتاً به دنبال عدالت خدا بودند.

او او را به عنوان خواننده شده، محبوب توصیف می‌کند. او خدا را به عنوان خدای ما، سرور ما عیسی مسیح توصیف می‌کند. او از نجات مشترک ما و قدرت خدا برای جلوگیری از سقوط شما صحبت می‌کند.

اما آنها توسط افراد بی‌دین در کلیسا مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. آنها قبلاً با خواننده، با نویسنده، بدیهی است که طبق آیات سه و پنج، تماس داشته‌اند و تحت شهادت رسولان تغییر مذهب داده یا پرورش یافته بودند. او می‌گوید، ای عزیزان، پیشگویی‌های رسولان خداوند ما عیسی مسیح را به یاد داشته باشید، که چگونه به شما گفتند.

این مناسبت، یک تمایل شخصی برای نوشتن در مورد نجات عمومی بود، اما البته، حضور این افراد بی‌دین در کلیسا نیز در آن دخیل بود، و ما متوجه می‌شویم که او چگونه آنها را در اینجا توصیف می‌کند. همچنین، تاریخ نگارش ممکن است زمانی پس از عصر رسولان بوده باشد. آیه ۱۷، اما شما عزیزان باید پیش‌بینی‌های رسولان خداوند ما عیسی مسیح را به خاطر داشته باشید، حداقل زمانی پس از خدمت رسولان، حداقل برخی از آنها برای خوانندگان کلیسا، بازخوانندگان رساله.

با توجه به سایر برداشت‌های مهم، لحن کتاب لحنی محکوم‌کننده است، به‌ویژه در توصیف بی‌دینان، اما همچنین لحنی امیدبخش و تشویق‌آمیز، به‌ویژه نسبت به خوانندگان. متوجه می‌شویم که نویسنده دو بار به مطالب خارج از متون مقدس اشاره می‌کند، احتمالاً یا ظاهراً از فرض موسی و از اول خنوخ. متوجه می‌شویم که عبارت کلی آیات سه و چهار با عبارت «بسیار مشتاقیم که از نجات مشترکمان برای شما بنویسیم» آغاز می‌شود.

این عبارت ممکن است برای کتاب مهم باشد، اما معنای آن در واقع مشخص نیست. ممکن است به این معنی باشد که اگرچه بسیار مشتاق بودم در مورد نجات مشترکمان برای شما بنویسم، اما لازم دیدم در مورد چیز دیگری برای شما بنویسم، و این نشان دهنده تضاد بین آنچه او واقعاً نوشته است و آنچه در ابتدا قصد نوشتن آن را داشته است، می‌باشد. به عبارت دیگر، آنچه او نوشته است در مورد نجات مشترک ما نیست بلکه در مورد چیز دیگری است، یعنی دعوت به مبارزه برای ایمان.

اما ممکن است به این معنی باشد که چون خیلی مشتاق بودم از نجات مشترکمان برای شما بنویسم، برایتان نوشتم، برایتان نوشتم و از شما خواستم که به ایمانتان پایبند باشید، که این موضوع خیلی بحث تضاد نیست، بلکه بحث علیت است. چون لازم دیدم که برایتان بنویسم و از ایمانتان بخواهم که به آن پایبند باشید، چون مشتاق بودم از نجات مشترکمان برایتان بنویسم، بنابراین لازم دیدم که برایتان بنویسم و از ایمانتان بخواهم که یک بار برای همیشه به مقدسین داده شد، که نشان می‌دهد آنچه او در واقع برای آنها می‌نویسد، درباره نجات مشترک ماست. خب، به هر حال، این اساساً یک کتاب است، مروری بر کتاب یهودا که اینجا داریم.

امیدوارم این به روشن شدن برخی از اصولی که در مورد بررسی کتاب در مورد آنها صحبت کردیم، کمک کند.

این دکتر دیوید باور در تدریس خود در مورد مطالعه استقرایی کتاب مقدس است. این جلسه هشتم، بررسی کتاب، یهودا است.